

آزمون کارآمدی تئوری فشار در تبیین بزهکاری نوجوانان پسر شهر اهواز

حیدری آرش^۱

فولادی فاطمه^۲

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر به آزمون بردن برخی از فرضیات کلیدی تئوری فشار عمومی رابرت اگنیو است.

روش: با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۰۰ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان ۹ دبیرستان و مرکز پیش‌دانشگاهی شهر اهواز توزیع شد. شیوه‌ی پاسخگویی خودسنجی بود. پرسشنامه حاوی اطلاعات جمعیت‌شناختی، و مقیاس‌های کنترل استبدادی والدین، خشم، اضطراب و بزهکاری بود. ۱۵ پرسشنامه به علت ناکامل بودن از نمونه حذف شدند.

نتایج: نتایج نشان داد که کنترل استبدادی والدین با بزهکاری، خشم و اضطراب همبستگی مثبت و معنادار دارد. همچنین خشم و اضطراب با بزهکاری همبستگی مثبت و معنادار داشتند. با استفاده از ضرایب استاندارد رگرسیون (بتا) مدل نظری پژوهش به آزمون برده شد و مشخص شد که خشم و اضطراب متغیرهای واسطه بین کنترل استبدادی والدین و بزهکاری هستند.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش فرضیات استخراج شده از تئوری فشار رابرت اگنیو را تایید نمود و با سایر یافته‌های تجربی در این حیطه همسو بود.

کلید واژگان: تئوری فشار عمومی، بزهکاری، کنترل استبدادی والدین، خشم، اضطراب

مقدمه

بزهکاری یک پدیده‌ی اجتماعی است که باید ذیل آسیب‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد. این پدیده در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. بزهکاری را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب به این رفتار را بزهکار می‌نامند» (احمدی: ۱۳۸۴: ۸).

اگرچه تحقیقات تجربی فراوانی پیرامون بزهکاری نوجوانان در جهان صورت گرفته‌اند اما در شناخت دقیق ریشه‌های این معضل اجتماعی بین دانشمندان و سنت‌های فکری متعدد جرم‌شناسی اختلاف نظر وجود

^۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی خرم‌آباد
^۲ کارشناس ارشد روان‌شناس تربیتی، مدرس مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی خرم‌آباد

دارد. رویکردهای متعددی منجمله رویکرد کنترل اجتماعی تراویس هیرشی^۳ (۱۹۶۹)، تئوری آنومی رابرت مرتون^۴ (۱۹۶۸) و تئوری پیوند افتراقی ساترلند^۵ (۱۹۴۷)، که رویکردهایی کاملاً جامعه‌شناختی هستند، در بین جرم‌شناسان داخلی کمابیش شناخته شده هستند. اما توجه به تئوری‌هایی که در حیطه‌ی روان‌شناسی اجتماعی قابل طرح هستند کمتر مورد توجه جرم‌شناسان داخلی قرار گرفته است. تئوری فشار عمومی رابرت اگنیو چرم‌شناس آمریکایی از این دست تئوری‌هاست که توجه به آن می‌تواند ما را در شناخت ریشه‌های روانی-اجتماعی بزهکاری یاری کند.

بیان مسئله

مسئله‌ی بزهکاری نوجوانان یکی از عمده‌ترین مسایل پیش‌روی جوامع امروز، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، است. آمارها نشان می‌دهد علی‌رغم بالا رفتن سطح زندگی و توسعه‌ی مراکز خدمات روانشناختی باز هم آمار بزهکاری نوجوانان افسار گسیخته است (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶). گسترش برخی از انواع بزهکاری مانند مصرف مواد مخدر، خرابکاری و فرار از مدرسه در بین نوجوانان سبب شده است تا تبیین بزهکاری و کشف عوامل موثر بر آن مورد توجه محققان قرار گیرد و تحقیقات تجربی متعددی در این راستا انجام شود (علی‌وردی نیا و دیگران، ۱۳۸۷).

اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان مسایل اجتماعی در ایران مسئله‌ی بزهکاری را مد نظر قرار داده اند اما متأسفانه تحقیقات تجربی در این حیطه در داخل کشور اندک است لذا انجام تحقیقات تجربی در این حیطه ضروری به نظر می‌رسد.

تاکید مفرط بر عوامل ساختاری، یا عوامل سطح کلان، از یک سو و تاکید یکجانبه بر عوامل روانشناختی، یا سطح خرد، از سوی دیگر، منجر به تحلیلهایی یکجانبه و ناقص پیرامون ریشه‌های آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین لازم است رویکردی بینابین را به مسئله‌ای مانند بزهکاری در پیش گرفت که هم عوامل روانی را در نظر گیرد و هم عوامل اجتماعی را.

با توجه به این مسئله می‌توان گفت یک تئوری خوب و کارآمد پیرامون آسیب‌های اجتماعی می‌باید نشان دهد که عوامل اجتماعی سطح کلان چگونه به صورت واکنش‌های روانی آسیب‌زا خود را نشان می‌دهند. تئوری فشار عمومی رابرت اگنیو از جمله این تئوری‌هاست که عوامل روانی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد.

اهداف پژوهش

^۳ . Travis Hirschi

^۴ . Robert Merton

^۵ . Sutherland

هدف کلی پژوهش حاضر آزمون برخی از فرضیه‌های کلیدی این تئوری فشار عمومی در بین نوجوانان دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی شهر اهواز است. به عبارت دیگر در پی پاسخ به این سؤال کلی هستیم که آیا عواطف منفی منجمله خشم و اضطراب متغیرهای واسط بین کنترل استبدادی والدین و بزهکاری هستند یا خیر. این سؤال کلی از تئوری عمومی فشار رابرت اگنیو اخذ شده است. این سؤال کلی را میتوان در قالب ۵ سؤال جزئی مطرح کرد.

- ۱- آیا کنترل استبدادی والدین با بزهکاری رابطه دارد؟
- ۲- آیا کنترل استبدادی والدین با اضطراب رابطه دارد؟
- ۳- آیا کنترل استبدادی والدین با خشم رابطه دارد؟
- ۴- آیا اضطراب با بزهکاری رابطه دارد؟
- ۵- آیا خشم با بزهکاری رابطه دارد؟

چهارچوب نظری

رابرت اگنیو^۶ نظریه ای را ارائه داد که به تئوری عمومی فشار (GST)^۷ معروف است این تئوری در سطح خرد به بررسی اثرات فشار بر فرد می پردازد باید به این مسئله توجه داشت که اگنیو به جای تأکید بر عوامل کلان که به نابرابری ساختاری مربوطاند به عوامل سطح خردی توجه دارد که میتوان آنها را عوامل روانشناختی - اجتماعی نامید (موون^۸ و دیگران، ۲۰۰۸). رابرت اگنیو در تدوین نظریه‌ی خود شدیداً متأثر از رابرت مرتون، جامعه‌شناس و جرم‌شناس بزرگ آمریکایی، است.

در حالی که مرتون تلاش دارد تفاوت های طبقاتی را در میزان جرم تبیین نماید اگنیو تلاش دارد تا نشان داد که چرا افرادی که احساس تنش و فشار می کنند به احتمال بیشتری رفتارهای مجرمانه دارند (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۷۹)

از نظر اگنیو رفتارهای مجرمانه نتیجه‌ی مستقیم حالات عاطفی منفی - خشم، ناکامی و هیجانات زیان آور^۹ هستند. این حالات عاطفی منفی از چهار منبع فشار ناشی می شوند که عبارتند از:

۱- فشار ناشی از شکست در پیشبرد اهداف: این دسته از فشارها به شکاف بین خواست‌ها و انتظارات اشاره دارند و زمانی اتفاق می‌افتند که فردی دارای خواست‌های تحصیلی، مالی و.. است اما دستیابی به آنها را غیر ممکن می‌بیند. این شکل از فشار به نظرات مرتون اشاره دارد.

۲- فشار ناشی از شکاف بین انتظارات و آنچه که حاصل شده است: زمانی اتفاق می‌افتد که افراد خودشان را با افراد دیگری که به نظر موفق تر می‌رسند (از نظر اقتصادی، تحصیلی و...) مقایسه می‌کنند.

^۶ . Robert agnew

^۷ . General strain theory

^۸ . Moon

^۹ . Adverse emotions

۳- فشار ناشی از، از دست رفتن محرک هایی که برای فرد جنبه ی مثبت دارند: برای مثال از دست دادن یک دوست نزدیک یا فردی مهم در زندگی.

۴- فشار ناشی از وجود محرک هایی که برای فرد جنبه ی منفی دارند: به تجاربی منفی اشاره دارد که فرد با آن ها مواجه می شود مانند کودک آزاری ، مورد بی توجهی قرار گرفتن یا قربانی جرایم شدن (اگنیو، ۱۹۹۲). تئوری عمومی فشار اگنیو بر خلاف نسخه ی کلاسیک تئوری فشار (مرتون، کلووارد و اوهلین و کوهن) هیچ پیش فرضی در مورد درونی کردن ارزش های فرهنگی ندارد. این تئوری بر بدرفتاری دیگران با فرد تأکید دارد. برای مثال دیگران ممکن است مانع رسیدن فرد به اهدافش شوند (یا او را با محرک های منفی یا نامطلوب مواجه کنند) چنین اهدافی لزوماً حاصل نظام فرهنگی کلان تر نیستند همانطور که اگنیو بحث می کند، آن ها ممکن است از خرده فرهنگ های خاصی ناشی شده باشند. (اگنیو ۱۹۹۸: ۱۲۲) .

باید توجه داشت همه ی منابع فشار بطور یکسان به مشکلات رفتاری منجر نمی شوند. اگنیو معتقد است که زمانی رویدادهای فشارآور به جرم منجر می شوند که : (۱) این رویدادها غیر عادلانه به نظر برسند. (۲) از نظر بزرگی و شدت در سطح بالایی باشند. (۳) با کنترل اجتماعی پایین همراه شوند یا اینکه معلول این کنترل پایین باشند. (۴) فشار یا مشوقی را برای سازگاری منحرفانه با موقعیت نامطلوب ایجاد نمایند (اسلاکم^{۱۰} و دیگران، ۲۰۰۵).

در بین هیجانات منفی مورد تأکید اگنیو ،هیجان خشم از اهمیت بالایی برخوردار است چراکه سطوح صدمه و آسیب را بالا می برد و برای انجام یک عمل انتقام جویانه در قالب بزهکاری به فرد فشار می آورد. باید توجه داشت که انواع دیگری از هیجانات منفی وجود دارند که اثری متفاوت از اثر خشم بر بزهکاری دارند . اگنیو بیان می کند که افرادی که با افسردگی، اضطراب، ناامیدی و یأس به موقعیت فشارزا پاسخ میدهند، ممکن است به خود تخریبی روی بیاورند، مانند سوء مصرف مواد یا خودکشی؛ چراکه این افراد انگیزه های قوی برای انتقام ندارند. این شکل بزهکاری شیوه ای متفاوت برای سازگاری با فشار است که عنصر کلیدی آن گریز یا دستکاری هیجانات منفی است (دراپلا^{۱۱}، ۲۰۰۰).

نکته ی دیگری که در کار اگنیو باید به آن توجه داشت تفکیکی است که او بین فشارهای ذهنی و فشارهای عینی قائل می شود. او فشار عینی را اینگونه تعریف می کند « رویدادها یا شرایطی که غالب افراد یک گروه خاص آن را نامطلوب می دانند » (اگنیو ۲۰۰۱: ۳۲۱). شرایط یا رویدادهای متعددی مانند ، حملات بدنی ، مشکلات مالی ، و قربانی فعالیت های مجرمانه شدن از جمله فشارهای عینی محسوب می شوند. از سوی دیگر فشارهای ذهنی عبارتند از «رویدادها یا شرایطی که افرادی که آنها را تجربه می کنند ، آن ها را نامطلوب می دانند» (اگنیو ، ۲۰۰۱: ۳۲۱) . او بحث می کند که افراد فشارهای عینی را به طرق مختلفی

^{۱۰}. Slocum

^{۱۱}. Drapela

ارزیابی می‌کنند که ارزیابی آن‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد مانند ویژگی‌های شخصیتی، منابع اجتماعی در دسترس، یا شرایط زندگی. این امکان وجود دارد که برخی فشارهای عینی از جانب افراد مختلف به طرق مختلف ادراک شوند؛ برای مثال یک شرایط عینی از جانب فردی منفی ارزیابی شود و همان شرایط برای فرد دیگر حالتی خنثی و یا حتی مثبت داشته باشد. بنابراین اگنیو پیشنهاد می‌کند که برای فهم بهتر رابطه‌ی بین فشار و بزهکاری فشارهای عینی و ذهنی هر دو مورد سنجش قرار گیرند (مون، ۲۰۰۸).

پیشینه‌ی تجربی

پیرامون بزهکاری نوجوانان تحقیقات تجربی داخلی انجام شده است اما تنها یک پژوهش به آزمون تئوری فشار پرداخته است. علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیقی روی ۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی شهرستان بابل نشان دادند که حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی، و حالات عاطفی منفی نوجوانان با بزهکاری رابطه‌ی مثبت دارد. همچنین رابطه‌ی مستقیم و معناداری بین متغیرهای عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، و وجود محرک منفی، و حالات عاطفی منفی نوجوانان یافت شد. سایر پژوهش‌های داخلی بر عواملی مانند ویژگی‌های خانوادگی (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶)، دینداری (نازکتبار و دیگران، ۱۳۸۵) و سرمایه اجتماعی خانواده (علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۷) تاکید کرده‌اند.

برخی از تحقیقات تجربی خارج از کشور پیرامون تئوری فشار در ادامه می‌آیند.

برزینا^{۱۲} و دیگران (۲۰۰۱) نشان دادند که میزان خشم دانش‌آموزان بر تعارضات و درگیری‌های درون مدرسه اثرگذار است و این یافته با فرضیه‌ی تئوری فشار همسو بود.

بائو^{۱۳} و دیگران (۲۰۰۴) در تحقیقی بر روی ۶۱۵ دانش‌آموز چینی نشان دادند که عواطف منفی مانند خشم، کینه توزی، اضطراب، و افسردگی به عنوان متغیرهای واسطی بین تعارضات بین فردی و بزهکاری عمل می‌کنند.

بارون^{۱۴} (۲۰۰۴) در تحقیقی بر روی کودکان خیابانی نشان داد که اشکال متعدد فشار مانند، سوء رفتارهای عاطفی، جنسی، و بدنی بر بزهکاری و سوء مصرف مواد در این افراد اثرگذار است.

مون^{۱۵} و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی ۷۷۷ نوجوان کره‌ای نشان داد که تنبیه بدنی معلمان، به عنوان یک محرک منفی، بر بزهکاری نوجوانان اثر مثبت دارد؛ همچنین تنبیه شدید والدین بر بزهکاری نوجوانان اثر منفی دارد. این یافته با فرضیات اگنیو همسو نبود.

مدل نظری پژوهش حاضر

^{۱۲}. Brezina

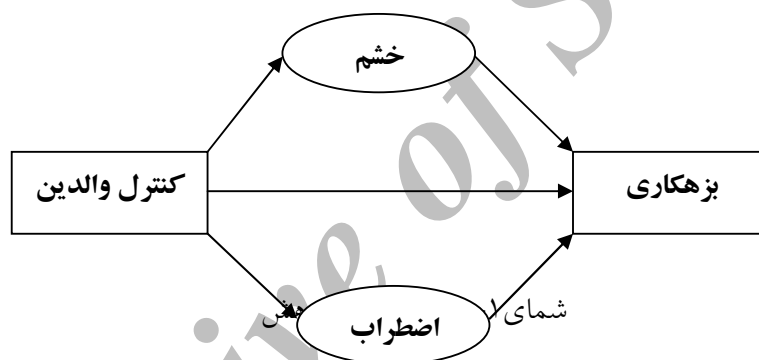
^{۱۳}. Bao

^{۱۴}. Baron

^{۱۵}. moon

با توجه به مباحث طرح شده در پژوهش حاضر قصد داریم اثر کنترل استبدادی والدین بر بزهکاری را از طریق عواطف منفی خشم و اضطراب بررسی نماییم. لذا مدل نظری پژوهش پیش رو مطابق شمای ۱ است. بدین ترتیب دو فرضیه کلی ما اولاً اثر کنترل والدین بواسطه‌ی خشم بر بزهکاری است و دوم اثر کنترل والدین بر بزهکاری به واسطه‌ی اضطراب است. این دو فرضیه‌ی کلی را می‌توان به ۵ فرضیه‌ی کوچکتر تقسیم کرد.

- ۱- کنترل استبدادی والدین با بزهکاری رابطه مثبت دارد.
- ۲- کنترل استبدادی والدین با اضطراب رابطه مثبت دارد.
- ۳- کنترل استبدادی والدین با خشم رابطه مثبت دارد.
- ۴- اضطراب با بزهکاری رابطه مثبت دارد.
- ۵- خشم با بزهکاری رابطه مثبت دارد.



روش شناسی

روش پژوهش پیمایشی بوده و از پرسش‌نامه‌ی خودسنجی^{۱۶} جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جمعیت آماری در این تحقیق کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اهواز بود. در مجموع ۵۰۰ پرسشنامه از ۹ مدرسه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای جمع‌آوری شد که ۱۵ پرسشنامه ناقص بودند و از نمونه خارج شدند و در نهایت ۴۸۵ پرسشنامه جهت تجزیه و تحلیل آماری باقی ماند. میانگین سنی پاسخگویان ۱۶/۱۸ با انحراف استاندارد ۱/۰۴. حداقل سنی پاسخگویان ۱۵ و حداکثر ۱۸ سال بود. پرسشنامه پژوهش شامل این مواد بود:

کنترل استبدادی والدین

کنترل استبدادی والدین، شکلی از کنترل زورگویانه است که والدین به لحاظ روحی و روانی بر فرزندان خود اعمال

^{۱۶}. Self-Report

می‌کند. این اعمال به دو طریق صورت می‌پذیرد. اول از طریق کنترل افکار و عواطف کودک و اعمال نفوذ بر او بواسطه‌ی این کنترل. دوم عملی زورگویانه و اجباری که بواسطه‌ی آن مرزهای بین والدین و فرزندان از بین می‌روند و به جای اینکه کودک واجد فردیتی باشد با حقوق خاص خودش، به چیزی مبدل می‌شود که باید در راستای خواست‌های والدین حرکت نماید. کنترل روانی شامل اعمالی است از جمله: سرزنش و تلقین احساس گناه به کودک، دریغ کردن عشق و محبت از کودک، کنترل کودک از طریق ایجاد اضطراب در او، و تعامل کلامی با کودک تنها در راستای موضوعات دلخواه والدین (رودی^{۱۷} و دیگران، ۲۰۰۸).

برای سنجش این متغیر از ۱۰ آیتم استفاده نمودیم که از مقیاس دانیل شک^{۱۸} (۲۰۰۶) گرفته شده‌اند که در چندین پژوهش مختلف از جانب این محقق به کار گرفته شده است و قابلیت بالایی برای سنجش این متغیر دارند. برخی آیتم‌های این مقیاس بدین شرح‌اند: «والدینم همیشه می‌خواهند افکار مرا تغییر دهند.» «والدین من فکر می‌کنند که افکار آنها مهمتر از افکار من هستند.» «والدینم می‌خواهند مرا دقیقاً به شکلی درآورند که خودشان می‌خواهند.» «وقتی در مورد یک مسئله با والدینم مخالفت کنم، آنها به حرف‌های من گوش نمی‌کنند.» این مقیاس در پژوهش حیدری (۱۳۸۹) نیز به کار گرفته شد و کارشناسان و صاحب‌نظران اعتبار این مقیاس را تایید نمودند. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۸ بود. این ضریب در پژوهش حیدری (۱۳۸۹) ۰/۸۷ و در پژوهش شک (۲۰۰۶) ۰/۸۹ گزارش شد.

خشم

برای سنجش خشم از مقیاس بارون (۲۰۰۴) استفاده کردیم. در این مقیاس ۶ آیتمی از پاسخگو خواسته می‌شود که میزان توافق خود را با این عبارتها بیان نماید: «من خیلی زود از کوره در می‌روم»؛ «وقتی از دست کسی عصبانی می‌شوم احساس می‌کنم احتمال اینکه به او آسیب بزنم بیشتر است تا اینکه در مورد عصبانیتم با او منطقی صحبت کنم»؛ «وقتی عصبانی می‌شوم دیگر افراد بهتر است از من فاصله بگیرند»؛ «وقتی در مورد مسیله‌ای با یک نفر اختلاف نظر داشته باشم، خیلی برایم دشوار است که بدون عصبانی شدن با طرف مقابلم حرف بزنم». پاسخ‌ها روی طیف لیکرت از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم درجه بندی شدند. برای تعیین میزان روایی از نظر کارشناسان و اساتید بهره گرفتیم که تست را تایید نمودند. برای ضریب پایایی از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. در تحقیق حاضر ضریب آلفا ۰/۷۱ شد این ضریب در تحقیق بارون (۲۰۰۴) ۰/۷۱ گزارش شد.

اضطراب

^{۱۷}. Rudy

^{۱۸}. Daniel shek

برای سنجش متغیر اضطراب از مقیاس بائو و دیگران (۲۰۰۴) استفاده کردیم. در این مقیاس ۸ آیتمی از پاسخگو

می‌شود تا بیان نماید چقدر حالات و احساسات زیر به او دست می‌دهد: عصبی بودن، نگران بودن، ترسیدن، بی‌قراری، زودرنجی، اینکه اتفاق بدی قرار است بیفتد، هجوم افکار و احساسات وحشت‌آور، اینکه نسبت به دیگر دانش‌آموزان احساس نگرانی بیشتری داشته باشد. پاسخ‌ها روی طیف لیکرت از ۱= هیچ وقت تا ۵= همیشه درجه بندی شدند. برای تعیین اعتبار از نظر کارشناسان استفاده شد و برای تعیین روایی از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفتیم. ضریب آلفا در تحقیق حاضر ۰/۸۹ و در پژوهش بائو و دیگران ۰/۹۰ بود.

بزهکاری

برای سنجش بزهکاری به شیوه‌ی خودسنجی بدین ترتیب عمل کردیم که از دانش‌آموز خواستیم که روی یک طیف ۵ درجه -۱، «۵=خیلی زیاد، ۱=خیلی کم»، تعیین کند که چقدر به ارتکاب اعمال زیر و سوسه شده است: صدمه زدن به دیگر دانش‌آموزان، گرفتن پول یا سایر اشیا از دیگران با استفاده از زور، برداشتن پول یا سایر اشیا دیگران به صورت یواشکی، تخریب اموال عمومی (مانند اتوبوس، وسایل مدرسه و...)، مصرف مواد مخدر، حمل چاقو، قمه.

برای تعیین اعتبار از نظر کارشناسان استفاده کردیم و برای تعیین روایی از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفتیم. ضریب آلفا برای این پژوهش ۰/۹۰ بود.

نتایج

جدول ۱ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد همانطور که در جدول مشاهده می‌کنید. میانگین نمره‌ی متغیر وابسته یعنی بزهکاری ۱۰/۸۸ است که از حد وسط تجربی مقیاس (=۱۵) پایینتر است. این رقم برای کنترل والدین ۲۹/۱۳ است که بالاتر از حد وسط تجربی (=۲۵) است، این یافته توصیفی نشان می‌دهد دانش‌آموزان رفتار والدین خود را استبدادی ارزیابی می‌کنند. میانگین نمره‌ی اضطراب ۲۳/۱۲ است که این عدد نیز بالاتر از حد وسط تجربی مقیاس (=۲۰) است بدین معنا که اضطراب در بین دانش‌آموزان یک مشکل رایج است میانگین خشم نیز ۲۰/۴۵ است که این رقم نیز بالاتر از حد وسط تجربی مقیاس است (=۱۵) و این یافته توصیفی حاکی از بالا بودن میزان خشم در بین دانش‌آموزان است.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی مقیاس‌ها

بزهکاری	اضطراب	خشم	کنترل والدین	استبدادی	شاخص‌ها
۱۰/۸۸	۲۳/۱۲	۲۰/۴۵	۲۹/۱۳		میانگین

انحراف استاندارد	۱۰/۱۰	۴/۸۵	۶/۴۳	۶/۰۵
چولگی	۰/۱۱۲	-۰/۳۸۵	۰/۱۱۱	۰/۶۰۹
حداقل	۱۰	۶	۸	۶
حداکثر	۵۰	۳۰	۴۰	۳۰
حد وسط تجربی مقیاس	۲۵	۱۵	۲۰	۱۵

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌کنید کنترل استبدادی والدین با بزهکاری همبستگی مثبت و معناداری دارد. شدت این همبستگی ۰/۲۱۱ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این بدین معناست که هرچه کنترل استبدادی والدین بیشتر باشد میزان بزهکاری نوجوان بالاتر می‌رود. این یافته فرضیه اول ما را تایید نمود. جدول ۲ نشان می‌دهد که کنترل استبدادی با اضطراب همبستگی مثبت ۰/۲۵۷ دارد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد که هر چه کنترل استبدادی والدین بالاتر رود میزان اضطراب به عنوان یک هیجان منفی بالاتر می‌رود. این یافته تأیید فرضیه دوم ماست. همبستگی بین کنترل استبدادی و خشم نیز مثبت و معنادار است. شدت این رابطه ۰/۳۸ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این یافته تأیید فرضیه سوم ماست. رابطه‌ی دیگر بین خشم و بزهکاری یافت شد. بین این دو متغیر همبستگی به شدت ۰/۲۱۶ مشاهده شد با معناداری در سطح ۰/۰۱. بدین معنا که با بالا رفتن شدت خشم میزان بزهکاری بالا می‌رود. این یافته تأیید فرضیه چهارم می‌باشد. همبستگی ۰/۳۶۲ بین اضطراب و بزهکاری فرضیه پنجم ما را تأیید نمود، این رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	اضطراب	خشم	بزهکاری
کنترل استبدادی والدین	۰/۲۵۷***	۰/۳۸۰***	۰/۲۱۱***
اضطراب		۰/۲۷۲***	۰/۳۶۲***
خشم			۰/۲۱۶***

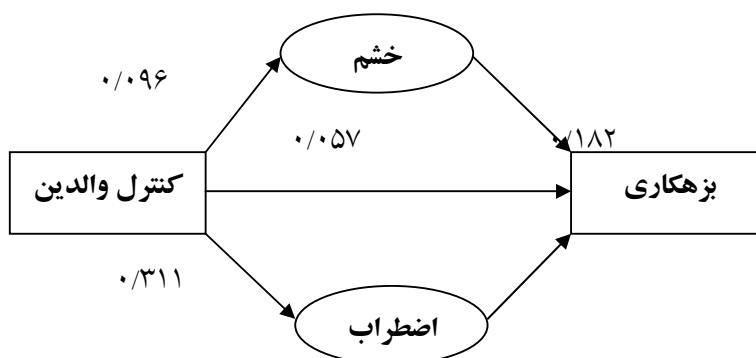
$$p < 0.01 \quad p < 0.05$$

برای تعیین ضرایب اثر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته مطابق مدل نظری پژوهش از ضرایب استاندارد رگرسیون (بتا) استفاده نمودیم. برای این کار سه معادله را مد نظر قرار دادیم در معادله اول اضطراب به کنترل والدین بازگشت داده شد. نتایج نشان داد که کنترل استبدادی والدین با ضریب بتای ۰/۲۵۷ بر اضطراب اثر مثبت و معناداری دارد. در معادله دوم خشم به کنترل استبدادی والدین بازگشت داده شد نتایج

نشان داد که کنترل استبدادی با ضریب بتای ۰/۳۸۰ بر خشم اثر مثبت و معناداری دارد. در معادله سوم بزهکاری به کنترل استبدادی، اضطراب و خشم بازگشت داده شد نتایج نشان داد که اثر کنترل استبدادی والدین ۰/۰۹۴، اثر خشم ۰/۰۹۶ و اثر اضطراب ۰/۳۱۱ است. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده اند.

جدول ۵- ضرایب تحلیل مسیر برای مدل نظری پژوهش

	معادله ۱	معادله ۲	معادله ۳
	اضطراب	خشم	بزهکاری
کنترل استبدادی والدین	$0/164B=$	$0/182B=$	$0/057B=$
	$0/257**\beta=$	$0/380**\beta=$	$0/094*\beta=$
	$0/028std=$	$0/02std=$	$0/02std=$
خشم			$0/120B=$
			$0/096*\beta=$
			$0/05std=$
اضطراب			$0/293B=$
			$0/311**\beta=$
			$0/04std=$
R^2	۰/۰۶۶	۰/۱۴۴	۰/۱۵۳



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف به آزمون بردن برخی از فرضیات تئوری فشار رابرت اگنیو صورت گرفت. بدین منظور ۵ فرضیه در قالب مدلی نظری به آزمون رفتند. در فرضیه اول انتظار داشتیم کنترل استبدادی والدین با بزهکاری رابطه مثبت داشته باشد. نتایج آزمون همبستگی این فرضیه را تایید نمود. این یافته با مبانی نظری تئوری فشار همسو بود. مطابق این نظریه منابع فشار که یکی از آنها وجود محرکهای منفی است می‌تواند به رفتارهای انحرافی بینجامد. کنترل استبدادی والدین یک محرک منفی و یک منبع فشار محسوب می‌شود. این یافته با یافته‌های نصیری (۱۳۸۸) همسوست. نصیری در پژوهش خود نشان داد که رفتار زورگویانه‌ی والدین یکی از عوامل موثر بر بزهکاری خشونت آمیز است. این رابطه در پژوهش‌های هایمر (۱۹۹۷) حاصل شده است.

مطابق تئوری اگنیو منبع فشار به هیجانهای منفی می‌انجامد این مسئله در فرضیات دوم و سوم ما مطرح شد. انتظار داشتیم که کنترل استبدادی به عنوان یک منبع فشار با عواطف منفی خشم و اضطراب رابطه مثبت داشته باشد. این فرضیات در سطح همبستگی تایید شدند. تایید این فرضیات با یافته‌ها و نظرات اگنیو (۱۹۹۲ الف، ۱۹۹۲ ب، ۱۹۸۷، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵) همسو بود. مطابق تئوری فشار عواطف منفی مستقیماً با بزهکاری رابطه دارند. این مسئله در فرضیات چهارم و پنجم بررسی شدند و هر دو در سطح همبستگی تایید شدند بدین معنا که خشم و اضطراب هر دو با بزهکاری رابطه مثبت و معنادار دارند این یافته با یافته‌های بائو و دیگران (۲۰۰۴) برزینا و دیگران (۲۰۰۱) علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۸۷) همسو بود.

آنچه که در تئوری فشار باید به آن توجه ویژه‌ای داشت تقدم و تأخر متغیرها در رابطه با بزهکاری است. همانطور که پیشتر گفتیم منابع فشار به هیجانهای منفی می‌انجامد و این هیجانهای منفی هستند که به بزهکاری می‌انجامد. به عبارت دیگر هیجانهای منفی متغیر واسطه بین منبع فشار و بزهکاری هستند. برای بررسی این مسئله در قالب مدلی نظری اثر واسطه‌ای خشم و اضطراب را بین کنترل والدین و بزهکاری بررسی نمودیم. ضرایب استاندارد رگرسیون (ضرایب بتا) در قالب تحلیل مسیر برای آزمون این رابطه به کار گرفته شد و اثر واسطه‌ای هیجانهای منفی تایید شد.

پیشنهاد می‌شود این مدل در جامعه‌ی بزهکاران کانون‌های اصلاح و تربیت مورد آزمون مجدد قرار گیرد تا امکان مقایسه این نتایج با جامعه‌ی بزهکاران میسر گردد. بررسی تجربی این مدل در جامعه دانش‌آموزان مناطق مختلف ایران می‌تواند کارآمدی تئوری فشار در مورد تبیین بزهکاری در جامعه ایران را مورد موشکافی دقیق‌تر قرار دهد.

پیشنهادات

۱- پیشنهاد می‌شود الگوهای و سبک‌های فرزندپروری، به عنوان یک عامل مهم در بزهکاری نوجوانان، مد نظر

دست‌اندرکاران مسایل اجتماعی قرار گیرد. انجمن‌های اولیا و مربیان، کانون‌های اصلاح و تربیت، و خاصه رسانه‌ها میتوانند به جای تمرکز یکجابه بر فرد بزهکار به عنوان عامل جرم، محیط خانوادگی او را مد نظر قرار دهند و با آموزش شیوه‌های فرزندپروری درست از بالا رفتن نرخ بزهکاری جلوگیری نمایند.

۲- ناکامی‌های پیاپی در محیط‌های آموزشی منجر به بروز حالات روانی نامطلوبی منجمله خشم و اضطراب می‌شود.

دست‌اندرکاران سیاست‌های آموزشی باید توجه ویژه‌ای به بروز هیجانات منفی در دانش‌آموزان داشته باشند و شرایط و سیاست آموزشی را به شکلی تدوین نمایند که دانش‌آموزان با حداقل ناکامی و هیجانات منفی مواجه شوند. این هیجانات از

عمده‌ترین دلایل بروز انحرافات اجتماعی هستند

۳- از آنجا که رفتار انحرافی در معنای عام و بزهکاری بطور اخص یک واکنش برای سازگاری با شرایط نامطلوب و هیجانات منفی است، پیشنهاد می‌شود مسئولین از یک سو هزینه‌های جرم را برای افراد مجرم بالا ببرند و از سوی دیگر شرایطی را فراهم کنند که هیجانات منفی در قالبی هنجارمند مجال تخلیه داشته باشند. باید توجه داشت که صرف بالا بردن هزینه‌های جرم برای فرد مجرم کارآمد نیست چراکه فرد بزهکار، بزهکاری را تنها گزینه برای مقابله با ناکامی‌های خود می‌داند. ایجاد گزینه‌های دیگر از طریق پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و بسط و گسترش آموزش‌های فوق برنامه برای همه‌ی اقشار جامعه می‌تواند بسیار مفید باشد.

۴- شناخت خانواده‌هایی که رفتار نامطلوبی با فرزندان خود دارند، می‌تواند به پیشگیری از بروز بزهکاری بسیار کمک کند. میتوان شناخت این بسترهای آسیب‌زا را جزو شرح وظایف مشاوران و کارشناسان مسایل اجتماعی در مدارس قرار داد. با این کار می‌توان آماری مناسب پیرامون بسیاری از آسیب‌های اجتماعی بالقوه بدست آورد و از بروز بحرانی آنها پیشگیری نمود.

منابع

علی‌وردی نیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ موسوی چاشمی، سیده ملیحه (۱۳۸۷). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هشتم، شماره ۲، صص: ۸۳-۱۱۱.

نازکتبار، حسین؛ زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ (۱۳۸۵). نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران. فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص: ۲۳۳-۲۵۷.

رضایی، سعید، خرازی، کمال، حجازی، الهه، افروز، غلامعلی (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی تأثیر ابعاد اجتماعی خانوادگی و ویژگیهای شخصی، شناختی، در بوجود آمدن بزهکاری. روانشناسی کاربردی، دوره ی اول، شماره ۴، صص: ۶-۱۳.

علی وردی نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری. پژوهش زنان،

دوره ی ۶، شماره ۲، صص: ۱۰۷-۱۳۲.

Agnew, Robert (1987). On testing structural strain theories. journal of research in crime and delinquency , 24 : 281-86

Agnew, Robert (1984). Goal achievement and delinquency. Sociology of social research, N. 68, PP. 435-51

Agnew, Robert (1985). A revisited strain theory of delinquency. Social force, N.64, PP. 151-167.

Agnew, Robert (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency Criminology, V.30, PP.47-87.

Agnew, Robert (1995). the contribution of social – psychological strain theory to the explanation of crime and delinquency . In Adler Freda, and wiliam S.Laufer(eds.), the legacy of anomie theory . Vol.6 of advance in criminological theory. Nj: transaction.

Agnew, Robert; Helen raskinwhite(1992). An empirical test of general strain theory Criminology, 30:475-499.

Bao, Wan-Ning; Haas, Ain; Pi, Yijun(2004). Life Strain, Negative Emotions, and Delinquency: An Empirical Test of General Strain Theory in the People's Republic of China. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology, v. 48, n.3, pp: 281-297.

Baron, Stephen W. (2004). General strain, street youth and crime: a test of Agnew's revised theory. Criminology, v.4, n.2, pp. 457-483.

Brezina, Timothy; Piquero, Alex R., Mazerolle, Paul (2001). Student Anger and Aggressive Behavior in School: An Initial Test of Agnew's Macro-Level strain theory. Journal of Research in Crime and Delinquency. V.38, n.4, pp: 362-386.

Drapela, L.A. (2000)." The effect of negative emotions on illicit druge use emong high school dropouts: an empirical test of general strain theory "journal of youth and adolescence, V. 35, N. 5, PP.

Heimer, Karen.1997.Socioeconomic Status, Subcultural Definitions, and Violent Delinquency. Social Forces 75(3)799-833

Moon, Byongook; Blurton, David; McCluskey, John D. (2007). General Strain Theory and Delinquency: Focusing on the Influences of Key Strain Characteristics on Delinquency Crime Delinquency, v.54, n.4, pp: 582-613.

Rudy, D.; Awong, T.; Lambert, M. (2008)" parental psychological control and authoritarianism in Chinese – canadian and implications for university student adjustment". Journal of comparatine family studies, V.39, ISSUE. 4.
Shek,D.T.L (2006). Assessment of perceived parental psychological control in Chinese adolescents in hongkong. Research on social work practice, V.16, N.383.

Siegel, larry. S (1998), "criminology" west wads worth publishing company.
Slocum, L.A.; simpson,S.S.; smith, D.A. (2005)." Strained lives and crime: examining intra- individual variation in strain and offending in a sample of incarcerated women. Criminology. v.3, n. 4, pp. 1076-1110.

Archive of SID